

درآمدی بر ساماندهی دانش اجتماعی

فعالان اجتماعی بسیاری در سال‌های اخیر بر تلاش در رفع حوایج مستضعفین همت نموده‌اند. افراد یا گروه‌هایی که بی‌چشم‌داشت مالی و اقتصادی، با کمترین وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی، به صورت مردم‌نهاد از کف جامعه اسلامی برخاسته و بی‌منت به امور خیریه می‌پردازند، در خلأیی که از نارسایی نظام‌های اداری نشأت گرفته است. به اشتراک نهادن سریع این تجارب میان افراد و گروه‌های موفق راهی است که کیفیت و کمیت فعالیت‌های آنان را ارتقا داده و جهت حرکت مردمی نظام اسلامی را اصلاح می‌کند. نوشته حاضر درصدد است فضای کارکردی موضوع فوق را بیش بررسد.

ابزار انتقال

﴿عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾^۱

۱. انسان اگر سخن نمی‌دانست، چیزی چون بهائم، چه تفاوتی؟! هر که به دنیا می‌آمد باید آتش را کشف می‌کرد، چرخ را اختراع، استخراج فلزات، بلکه هم به تولید مفرغ و آلیاژ. فرصت نشده مرده، دنیا را ترک کرده. عمری که کوتاه است، مجال تجربه کم.
۲. خدا انسان را گویا خلق کرد؛ ناطق. حرف بزند تا منتقل سازد؛ دانشی که از تجربه آموخته است، نسل به نسل و از والد به فرزند. (Tribal knowledge^۲)

﴿عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾^۳

۳. آموزش دفعی نیست، زمان می‌خواهد، فرصتی برای تعلیم و تعلم. علم گسترش یافت و از عمق ذهن یک والد فراتر. دیگر تک به تک کافی نیست. تجربه وسعت و دانش فزونی گرفت.
۴. خدا نوشتن را به انسان داد. قلم بتراشد و قرطاس بسازد. بنویسد و مکتوب^۴ سازد و جاودانه. دیگر فقط والد نیست که به ولد می‌آموزد، تاریخ است که به آینده.

﴿يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ﴾^۵

۵. تجربه (Experience^۶) دیگر توقف ندارد که. وقتی آموزش شفاهی رواج یافته، آموزش کتبی فراوان شده، هزاران

^۱ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (رحمان: ۱-۴)

^۲ Tribal knowledge is any unwritten information that is not commonly known by others within a company. This term is used most when referencing information that may need to be known by others in order to produce quality products or services. The information may be key to quality performance, but it may also be totally incorrect. Unlike similar forms of artisan intelligence, tribal knowledge can be converted into company property. It is often a good source of test factors during improvement efforts.

^۳ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق: ۱-۴)

^۴ Writing is a medium of human communication that involves the representation of a language with symbols. Writing systems are not themselves human languages (with the debatable exception of computer languages); they are means of rendering a language into a form that can be reconstructed by other humans separated by time and/or space.

^۵ «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون: ۶۰-۶۱)

^۶ Experience is the process through which conscious organisms perceive the world around them. [1][2] Experiences can be accompanied by active awareness on the part of the person having the experience, although they need not be.

بل میلیاردها کتاب هر ساله. تا بنویسد و تا ویرایش و تا زینگ و چاپ، به دست مصرف‌کننده برسد زمان گذشته.

۶. سرعت موضوعیت پیدا می‌کند، وقتی حجم اطلاعات فراوان می‌شود؛ سرعت دسترسی به تجارب مورد نیاز، به ماه و روز و ساعت می‌رسد. این‌جا «قلم» هم از ثمر می‌افتد و کفاف نمی‌کند.

کانون انتقال

خانواده

۷. اساس انتقال تجربه است. دانش را ولد از والدین می‌آموزد. فلسفه خانواده همین است اصلاً. وظیفه مادر تربیت است و تعلیم؛ انتقال تجربه و دانش از نسلی به نسلی دیگر؛ معمولاً با استفاده از «بیان».

۸. گستره علم اندک که باشد، تنوع نداشته باشد، کلی و اجمالی، خانواده می‌تواند. اما پیشرفت مانع شده، مادر و پدر دیگر در تمام زمینه‌ها تخصص ندارند، واجد همه علوم نیستند. نمی‌توانند حامل تمام دانش بشری باشند.

دانشگاه⁽⁷⁾ (University)

۹. فلسفه تأسیس دانشگاه همین است؛ جبران ناتوانی سایر نهادهای اجتماعی در انتقال تجربه و دانش بشری. دانشگاه انتقال‌دهنده تمام دانش تخصصی یک نسل به نسل بعد است. از «بیان» و «قلم» هم استفاده می‌کند.

۱۰. وقتی «نقشه جامع علمی» نباشد، یا درست اجرا نشود، دانشگاه همین می‌شود که شده است. ناکارآمدی آن به حدی محسوس که نسخه‌های «علمی کاربردی» آن را تأسیس کرده‌اند، گویا همه می‌دانند که قبلی کاربردی نبوده است!

۱۱. دانشگاه نتوانسته در کشور ما پاسخگو باشد؛ تمام دانش و تجربه نسلی را منتقل سازد. مادامی که کتاب‌های پنجاه سال پیش، پیوسته هر ساله تدریس می‌شود و تغییری نمی‌کند. آخرین دستاوردها و کاربردی‌ترین‌شان جایی در آموزش ندارد. دانشجویان هم فی‌الجمله به قصد تعلّم وارد نمی‌شوند، بل موقعیت اجتماعی.

دوره‌های تخصصی⁽⁹⁾ (Course)

۱۲. کش‌دار شدن نظام آموزشی، فشل بودن و ناتوانی از تأمین نیازهای تجربی و علمی، دوره‌های فنی و حرفه‌ای را گسترش داده؛ کلاس‌های آموزشی خارج از تمامی نظام‌های آموزشی رسمی.

۱۳. معمولاً با چند سخنرانی، چند جلسه حضور، استادی که تمام تجارب خود را ارائه می‌کند؛ مانند: دوره‌های اقتصادی MBA¹⁰ که سال‌های اخیر آگهی‌های برگزاری آن فراوان شده است، یا مجموعه سخنرانی‌های Ted¹¹. جبرانی برای ناتوانی آموزش عالی.

⁷ The original Latin word universitas refers in general to "a number of persons associated into one body, a society, company, community, guild, corporation, etc". At the time of the emergence of urban town life and medieval guilds, specialized "associations of students and teachers with collective legal rights usually guaranteed by charters issued by princes, prelates, or the towns in which they were located" came to be denominated by this general term. Like other guilds, they were self-regulating and determined the qualifications of their members.

^۸ دانشگاه در ریشه اصلی لاتین به طور کلی به "تعدادی از افراد مرتبط با یک نهاد، یک جامعه، شرکت، جامعه، صنف، شرکت و غیره" اشاره دارد.

⁹ a number of lectures or other matter dealing with a subject

¹⁰ مدیریت ارشد کسب و کار، مخفف عبارت Master of Business Administration. درجه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت و اعلى درجه علمى (مدرک) حرفه‌ای در رشته تجارت است. این دوره برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم در آمریکا طرح‌ریزی شد که حاصل صنعتی شدن این کشور و رویکرد علمی به مدیریت بود.

¹¹ مخفف Technology, Entertainment, Design یک مجموعه همایش جهانی است که توسط بنیاد Sapling که سازمانی غیرانتفاعی خصوصی است، با شعار «ایده‌ها ارزش گسترش دارند»، برگزار می‌شود.

دانش فردی (Self-knowledge¹²)

۱۴. ساده‌ترین نوع دانش است؛ وقتی هر انسانی اطلاعات و تجارب شخصی خود را در نظر بگیرد. قدرت هر انسان در علم و دانش است. این را می‌تواند به فردی دیگر آموزش دهد.
۱۵. شیوه انتقال این سطح از تجربه و دانش معمولاً شفاهی است. مرسوم‌ترین روش آموزش در خانواده. وقتی پدر و مادر آنچه از زندگی آموخته‌اند به فرزندان خود می‌آموزند

دانش سازمانی^{۱۳}

۱۶. سال‌هاست سازمان‌ها به حفظ دانش و تجارب خود اندیشیده‌اند. دانش سازمانی یک مقوله کاملاً شناخته‌شده و نظام‌یافته است. نهادهای دولتی و خصوصی، سیاسی و اقتصادی، وقتی نگران آینده خود باشند، نیروهای جدید را در کنار کارمندان مجرب خود قرار داده، اطلاعات و دانش را منتقل می‌کنند.
۱۷. حجم فراوان بایگانی‌ها و آرشیوهای سازمان‌ها حاکی از اهتمام به انتقال دانش سازمانی است. شیوه کتبی هم در کنار بیانی کاربرد دارد، بلکه بیشتر هم. مستندسازی راهی مهم برای حفظ تجارب یک سازمان.

دانش اجتماعی

۱۸. اما دانش جامعه یک چیز دیگر است؛ متفاوت و بسیار مهم، حافظه تاریخی^{۱۴} یک ملت می‌شود (Historical Memory¹⁵). جنگی که با روسیه داشتیم، استعمار انگلیس، نفوذ پرتغالی‌ها، مشروطه و کودتای آمریکا علیه مصدق، حتی قبل‌تر؛ ظلم و ستمی که از شاهان بر رعیت رفته است، چشم‌هایی که به دست مؤسس قاجار کور شد، برادر و پسری که از ترس قیام کشته شدند، همه این‌ها دانش و تجربه اجتماعی یکان یکان افراد ایرانی است.
۱۹. دانش اجتماعی قدرت یک جامعه است؛ همچنان که دانش فردی قدرت فرد. ثروت ملت دانش اوست. زور ملت دانش اوست. تجربه و آگاهی‌ست که ثروت و زور را تأمین می‌کند. این دانش را مجموعه بزرگی از نظام‌های آموزشی و رسانه‌ای به نسل‌های بعد منتقل می‌سازد.
۲۰. استعمار این را می‌شناخت. نخستین گام در هر مستعمره‌ای را ساخت مدرسه می‌دانست. در همین بلاد مدارس آلمانی و میسیونری فراوانی تأسیس شد. چه بسیاری که از همین مدارس به دانشگاه‌های غرب رفتند و پس از بازگشت، تغییرات بزرگی پدید آوردند. تغییراتی که تاریخ نشان داد چندان به نفع ملت ایرانی نبود.
۲۱. اگر حافظه یک ملت را خالی کنی، تک‌تک مردم را تو خالی کرده‌ای؛ جمعی بی‌هویت. کسانی که به هر ننگ و نکبتی تن می‌دهند و هیچ غرور ملی در آن‌ها نیست تا برای قیام علیه ظلم تو انگیزه‌شان بدهد.
۲۲. امروزه شبکه‌های مجازی قدرت شگفت خود را در انتقال دانش اجتماعی نشان داده‌اند؛ داده‌های سیاسی و

¹² usually refers to a person's knowledge of their own sensations, thoughts, beliefs, and other mental states.

^{۱۳} مدیریت دانش (به انگلیسی: Knowledge Management - به اختصار KM) به مدیریت فرایندهای خلق، ذخیره و نگهداری و به اشتراک گذاشتن دانش می‌پردازد؛ که به‌طور عمومی باید شامل شناسایی وضعیت موجود، تشخیص، وضوح نیازها و خواسته‌ها و بهبود فرایندهای مورد اثر باشد و به تبع آن پروژه‌های مدیریت دانش پروژه‌های بهبود بخشی هستند. در این گونه پروژه‌ها سه جنبه اصلی باید مد نظر باشد: ۱) مدیریت شرایط عمومی در یک سازمان است (محیط فرهنگی و فرایندهای KM) ۲) تهیه راهکارهایی برای فرایندهای KM بین انسان‌ها و به صورت مستقیم یعنی ارتباطات. ۳) مدیریت تولید، توزیع، دستیابی و به‌کارگیری دانشی که به ابزارها تبدیل شده‌است. (مانند نوارهای ویدئویی، آموزش، اسناد، وب‌گاه‌ها) به‌طور کلی مدیریت اطلاعات (IM).

^{۱۴} «حافظه تاریخی یک ملت نباید ضعیف بشود. اگر جوانهای ما در سرتاسر کشور این حوادث را ندانند، تحلیل نکنند، عمق‌یابی نکنند، در شناخت کشورشان و در شناخت آینده دچار اشتباه خواهند شد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۱۸) «دشمن می‌خواهد یاد شهیدان فراموش شود. دشمن می‌خواهد خاطره‌ی این مجاهدتها و بزرگ‌مردی‌ها در حافظه‌ی این ملت نماند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۲) «یک ملت چیزهایی را در ذهن و حافظه‌ی خود نگه می‌دارد و آن‌ها به معارف آن ملت، فهم آن ملت و بصیرت آن ملت تبدیل می‌شود.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۳/۸)

¹⁵ The concept of "historical memory," often expressed as "collective memory," "social memory," or for political scientists, "the politics of memory," refers to the ways in which groups, collectivities, and nations construct and identify with particular narratives about historical periods or events. Historical memories are foundational to social and political identities and are also often reshaped in relation to the present historical-political moment.

فرهنگی و اقتصادی. آگاهی‌هایی که می‌تواند به جهل تبدیل شده و ابزاری برای استثمار باشد.

راهکارهای انتقال

تشکیل میزهای انتقال دانش^{۱۶} (کوتاه‌مدت)

۲۳. افسار ترویج دانش را باید به دست بگیرد؛ ملّتی که برای خود و نسل آینده خود ارزش قائل است. وقتی ساختار اجتماعی مساعد آن نیست، راهکارهای سریع نیاز است.
۲۴. ساده‌ترین ابزار انتقال تجارب همان «بیان» است. میزگردهایی، اجلاس، همایش، فضای سخنرانی و گفتگو، جایی که هر فرد زمانی فرصت صحبت داشته باشد. آنچه انجام داده و تجربه کرده به اطلاع برساند، بدون هزینه و نیاز به روابط خاص.

نهادینه‌سازی تولید گزارش از تجارب (میان‌مدت)

۲۵. امروز هنوز فرانگرفته‌ایم به درستی گزارش بنویسیم. نوشتن گزارش‌های روزمره از فعالیت‌های اجتماعی، فرصتی است تا پس از تکمیل هر گام، پس از هر موفقیت، بشود تبدیل به یک گزارش دقیق. گزارش اگر صحیح باشد، امکان تکرار می‌دهد، برای هر فرد جدید، در زمان و مکان جدید.
۲۶. در کنار فضایی که برای گفتگو فراهم می‌شود، برای انتقال تجارب، فرهنگ‌سازی لازم است. فعالان اجتماعی یاد می‌گیرند چگونه گزارش تهیه کنند. ضرورت گزارش را در می‌یابند. آثار اهتمام به آن.

اصلاح نظام آموزش عالی (بلندمدت)

۲۷. غایت قصوی، نجات ساختارهای ناقص است، اصلاح آن، ارتقابخشی. ناکارآمدی نظام‌های آموزش عالی کشور است که انتقال دانش را کند و کم‌ثمر کرده است.
۲۸. هر فعال اجتماعی به مثابه یک استاد است، استاد مجرب، باید فرصت داشته باشد در گروه‌های علمی عضو شود و تجربه خود را در کمترین زمان ممکن به دانشجویان رشته‌های مرتبط منتقل سازد.

نتیجه

۲۹. تکرار هزینه دارد؛ هزینه‌های اجتماعی. این را می‌دانیم. اما سال‌ها، بل دهه‌ها، بل قرن‌ها درگیر تکراریم. اگر از شاه سلطان حسین درس گرفته بودیم، احمدشاه تکرار نمی‌شد و جباری چون آغامحمدخان، با نام جدید رضاقلدر باز نمی‌گشت. فعالان اجتماعی هر روز ناگزیر هستند تجارب هم را تکرار کنند، تا هر کدام «تجربه فردی» خود را بسازد. سازمان‌ها و نهادها مشارکت نمی‌کنند، به هم اطلاعات نمی‌دهند، گزارش نمی‌سازند و بنابراین هر کدام اسیر «تجربه سازمانی» خود هستند و رفتارهای هم را تکرار می‌کنند؛ در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حتی.
۳۰. نهادهایی لازم است تا فرهنگ‌سازی کنند. فضا برای هم‌افزایی فراهم سازند. جایی که بشود تجربه‌ها و دانش‌های فردی و سازمانی را «اجتماعی» کرد، ذخیره نمود و ضبط کرد. تاریخی و در حافظه ملّت ثبت نمود. تا نه فقط در آینده که همین امروز نیز تکرارها به اقل برسد. هم‌زمان بشود به تجربه‌های معاصرین دست یافت.

سیدمهدی موسوی موشح؛ ۲۴ ربیع‌الثانی سنه ۱۴۴۲ - قم المقدسه

^{۱۶} انتقال دانش (به انگلیسی: Knowledge transfer) به اشتراک گذاری یا انتشار دانش و ارائه منابع برای حل مشکل اشاره دارد. مانند مدیریت دانش، انتقال دانش به دنبال سازماندهی، ایجاد، تسخیر یا توزیع دانش و اطمینان از در دسترس بودن آن برای کاربران آینده است. انتقال دانش به دلایل زیر بسیار پیچیده‌تر از آن است که با یک یادداشت، یک پست الکترونیکی یا یک جلسه انجام شود: دانش در اعضای سازمان، ابزارها، اهداف و زیرساخت‌های آن قرار دارد و دانش بسیار زیادی در سازمان‌ها به صورت دانش ضمنی است یا به زبان آوردنش دشوار است. این موضوع از دهه ۱۹۹۰ تحت عنوان مدیریت دانش مطرح شده‌است. این اصطلاح در سطح بین‌المللی نیز به عنوان انتقال دانش منتقل می‌شود.

